

فقر نکوهیده و فقر ستایش‌شده

فقر و نیازمندی یکی از موضوعاتی است که در آیات و روایات ما بدان پرداخته شده است و البته آنچه در معارف دینی از این موضوع وجود دارد، ممکن است با تصور ذهنی ما از مقوله فقر فاصله داشته باشد.

«فقر در لغت به معنی نداری و تنگدستی است. در اصطلاح علم فقه، فقیر کسی است که تأمین معاش، پشت او را شکسته و کمتر از دویست درهم داشته باشد. اما آنچه گذشت، نزدیک‌افقر ظاهری است. فقر حقیقی، نیازمندی به حق تعالی و بی‌نیازی از غیر است. فقر حقیقی، ترک دنیا و تعلقات دنیوی است. فقر حقیقی یعنی فتای فی‌... یعنی آرامش در عین تهی‌دستی. این فقری است که مایه مباهات پیامبر گرامی اسلام^(ص) است، [الفقر فخری] نه فقر ظاهری.» (شرح مشنوی(نعیم)، ص ۵۷۵)

در تشریح بخشی از آیه۳۸ سوره مبارکه محمد^(ص) که خداوند متعال خود را «غنی» و بندگان را «فقیر» خطاب قرار می‌دهد، باید به دو نمونه از فقر اشاره کرد. به‌طور کلی دو نوع فقر وجود دارد، فقر یا از نوع اضطراری است یا اختیاری. در نوع اضطراری، فقر و ناداری افراد، ناشی از انباشت مال به ظلم و ثروت‌اندوزی افرادی دیگر است که از بی‌عدالتی جامعه برای سودجویی استفاده کرده‌اند. در این حالت، فرد فقیر برخلاف میل باطنی خود، تهی‌دست می‌شود اما فقر همواره از این حال نیست و در مرتبه‌ای از بلوغ، انسان به جایی می‌رسد که با وجود دسترسی به ثروت، خود انتخاب می‌کند که فقیر باشد. نبی مکرم اسلام^(ص) که می‌فرمودند «اَلْفَقْرُ فُخْرٌ» و به تهی‌دستی خود افتخار می‌کردند، به فقر اختیاری اشاره داشتند، زمانی که درهای خزائن آسمان وزمین به رویشان باز بود اما ترجیح می‌دادند اگر مال داشتند، شکر آن را به‌جا بیاورند و اگر دچار فقر شدند، لذت دعا و از خدا خواستن را بپوشند.

در این شرایط است که ذات اقدس پروردگار در آخرین آیه سوره محمد^(ص) تصریح می‌کند: «وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ فَوْمًا غَيْرَ كُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أُمَّتًا لَّكُمْ»، یعنی خدا بی‌نیاز است و این بندگان هستند که به او نیازمند هستند و اگر این وضع بخل ادامه پیدا کند، خداوند عالم، قومی را روی کار خواهد آورد که در انفاق و بندگی، بخیل نخواهند بود.

حاج‌شیخ‌عباس قمی در سفینه‌البحار، «الفقر فخری و به افتخر علی سائر الانبیاء» را همانند «اللهم احینئ مسکینا و امنتئ مسکینا و احشرئ فی زمره المساکین»، حدیث پیامبر^(ص) می‌داند و توضیح می‌دهد که گرچه این احادیث با آنچه اهل سنت در نکوهش فقر روایت کرده‌اند مانند «کاد الفقر أن یکون کفراً»، «الفقر سواد الوجه فی الدارین» و «تعوذ من الفقر» منافات دارد، میان این دو دسته حدیث می‌توان جمع کرد؛ زیرا آن فقری که مستلزم اجتناب است و باید از آن به خدا پناه برد، فقری است که انسان به‌خاطر آن نتواند نیازهای اولیه‌اش را هم برآورده کند و در نتیجه محتاج مردم می‌شود. اما آنچه موجب فخر پیامبر^(ص) است، فقر و نیاز ایشان به خداوند است؛ زیرا هیچ‌یک از پیامبران نتوانسته‌اند به اندازه پیامبر اسلام^(ص)، از دنیا منقطع شوند و به خدای متعال تقرب جویند، از این رو فقر ایشان از فقر همه انبیا کامل‌تر بوده است. (عقل و عشق یا مناظرات خمس، ص ۱۴۶ و ۱۴۷)

خداوند همه ما را به پیروی از پیامبر بزرگ اسلام^(ص)، از فقیران درگاه الهی و بی‌نیازان از خلق او قرار بدهد. ان‌شاء...!

برگرفته از درس تفسیر سوره محمد^(ص) آیت ... علم الهدی تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بیرس و بدان

حکم ناتوانی از پس دادن امانت



در این ستون به پرسش‌های شما در باره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به‌شماره پیامک ۰۷۲۸۹۳۰۰ با ما در میان بگذارید.

● سلام‌علیکم. اگر شخصی از کسی چیزی امانت بگیرد و به‌دلایلی نتواند آن را به صاحبش برگرداند(مثلا نمی‌داند الان صاحب آن کجاست یا اینکه نمی‌تواند آن را به دست او برساند)، چگونه باید این حق‌الناس را ادا کند؟

● پاسخ اجمالی

اگر بتواند آن امانت را -ولو از طریق واسطه- به صاحبش برساند، باید آن را برگرداند و اگر امکان مصالحه با او نیز وجود دارد، باید به این کار اقدام کند. اما اگر فعلا با هیچ روشی به او دسترسی ندارد، ولی این احتمال وجود دارد که در آینده این امکان فراهم شود، باید صبر کند. همچنین اگر از نظر عرفی به هیچ‌وجه امکان تحویل دادن آن به صاحبش نیست، حکم مال مجهول‌المالک را دارد و لازم است آن را با هماهنگی با مرجع تقلیدش به فقیری صدقه دهد.

● **آیت‌ا...العظمی شیبیری‌زنجانی**

در صورتی که به هیچ‌وجه به صاحب آن دسترسی ندارد، باید با اجازه حاکم شرع، به فقیر شیعه بپردازد.

● **آیت‌ا...العظمی علوی‌گرگانی**

اگر مطمئن است که دیگر نمی‌تواند آن را به دست صاحبش برساند، به‌عنوان مال مجهول‌المالک باید به دست مرجع تقلید و حاکم شرع بدهد یا با اجازه ایشان به دست فقرا برساند.

● **آیت‌ا...العظمی مکارم‌شیرازی**

باید مال را نزد خود نگهداری کند تا از بازگشت صاحب آن ناامید شود. آن‌گاه می‌تواند به نیت صاحبش به فقرا بدهد.

● **حضرت آیت‌ا...العظمی نوری‌همدانی**

لازم است آن را نگهداری کند تا به صاحبش پرداخت کند.

● **آیت‌ا... هادوی‌تهرانی**

بر امین (کسی که امانت گرفته) واجب است امانت را به هر طریق ممکن و مشروع به صاحبش برگرداند و نباید به‌دلایل ناموجه از این کار خودداری کند، مثلاً امین در فرضی که توان مالی دارد، نباید صرفاً به‌دلیل هزینه مالی، این کار را ترک کند، البته امین می‌تواند هزینه متعارف رساندن امانت را از صاحب امانت، مطالبه کند.

اگر صاحب امانت در دسترس باشد و بتواند امانت را هر چند پس از گذشت مدتی به او برساند، باید آن را حفظ کند و در موعد ممکن به دست وی برساند. صرفاً در فرضی که اصلاً صاحب امانت در دسترس نیست یا در دسترس هست، ولی امین به‌دلیل موجه شرعی نمی‌تواند آن را به صاحبش برساند، باید آن را از طرف صاحبش به فقیر صدقه دهد و بنا بر احتیاط واجب، صدقه در این موارد با اذن مجتهد جامع‌الشرایط باشد.

نگاهی به برخی روایات درباره کار و تلاش برای کسب روزی

دستی که پیامبر(ص) آن را بوسید

حمیده‌ذاکری | همه ما هر قدر هم سن و سالمان زیاد باشد یا اهل و عیال دار شده باشیم، باز هم چیزهایی وجود دارد که از آن‌هامی‌ترسیم و برای فرار از آن‌ها به خدا پناه می‌بریم. شاید پرایتان جالب باشد که بدانید رسول خدا^(ص) نیز در دعایی روزانه از چند چیز حذر کرده‌اند و برای دوری از آن‌ها به خدا پناه می‌برند. در این زمینه آمده است که آن حضرت پس از نماز صبح این دعا را می‌خواندند: «بار خدایا! از اندوه و غم و ناراحتی و ناتوانی و تنبلی و بخل و ترس به تو پناه می‌برم، (سنن‌النبی، ج یک، ۳۷۰) آن‌طور که کارشناسان دینی می‌گویند، نسخه خود ایشان در برابر هم‌وغم و تنبلی و... کار روزانه، به‌خصوص تلاش برای کسب روزی خانواده بوده است. در ادامه نگاهی به اهمیت کار و تلاش در آیات و روایات انداخته‌ایم.



مقام کاروتلاش برای انبیا بوده است

خداوند در قرآن کریم، حضرت نوح^(ع) را مخاطب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد که دست به کار ساخت کشتی شود. همچنین با نگاهی به داستان زندگی پیامبر اسلام^(ص)، متوجه می‌شویم که بیشتر انبیای الهی سرگرم کار و حرفه‌ای بوده‌اند و مثلاً بعضی کشاورز و بعضی چوپان و بعضی خیاط و بعضی نجار بودند. حتما شنیده‌اید که حضرت موسی^(ع) چند سال برای حضرت شعیب^(ع) کار می‌کردند و داوود پیامبر^(ع) هم آهنگر بودند. این خود نشان‌دهنده مقام و درجات عالی افرادی است که پیشه و حرفه‌ای را برای کسب روزی خود و خانواده‌شان دنبال می‌کنند و در این مسیر، گاهی از کار مردم نیز باز می‌کنند. در همین باره در قرآن مجید می‌خوانیم: «درجات و مقامات عالی، ویژه مؤمنانی است که تلاش‌های عملی مثبت و سازنده دارند، (طه، ۷۵)

همچنین از نظر پیامبر گرامی اسلام^(ص)، منزلت کارگران در ردیف انبیاست. ایشان فرموده‌اند: «هر شخصی از دسترنج خویش مخارج زندگی خود را تأمین کند، روز قیامت در صف پیامبران قرار خواهد گرفت و از عنایاتی که پیامبران بهره‌مندند، بی‌نصیب نخواهد ماند».

کسب روزی حلال شیوه صالحان است

حتماً شنیده‌اید که می‌گویند کار، عار نیست. این عبارت فقط ضرب‌المثلی قدیمی نیست، بلکه باتوجه‌به سیره رسول خدا^(ص) و ائمه‌اطهار^(ع)، می‌بینیم که آن‌ها نیز همین نگاه را به کار و تلاش داشته‌اند و نه تنها آن را عیب نمی‌دانستند که برای آن ارزش بسیاری نیز قائل بودند. الکافی به نقل از علی‌بن‌ابی‌حمزه می‌گوید: ابوالحسن [امام کاظم^(ع)] را دیدم که در زمینی کار می‌کرد و پاهایش از عرق خیس شده بود. گفتم: «جانم فدایت! مردان (کارگران) کجایند؟» فرمودند: «ای علی! کسی که از من و پدرم بهتر بود، در زمینش با دستان خود کار می‌کرد». گفتم: او کیست؟ فرمودند: «پیامبر^(ص)، امیرمؤمنان و پدرانم. همه آنان با دستان خود کار می‌کردند و این شیوه پیامبران، رسولان، جانشینان آن‌ها و صالحان است.» (کافی، ج ۵، ص ۷۵، ۱۰)

پیشرفت دانش، وابسته به کار است

در نزد عموم مردم، گاه این تلقی وجود دارد که علم، برتر از کار است و برای بعضی مشاغل به همین دلیل ارزش بیشتری قائلند، درحالی‌که همان امور علمی هم بدون تلاش کارگران میسر نیست. رهبر معظم انقلاب در این باره فرموده‌اند: «کار، ارزش‌آفرین است، ارزش است. در یک روایتی هست که «العلم یهتف بالعلم فان اجاب و الا ارتحل» (نهج‌البلاغه، جملات قصار ۳۶۶)، یعنی حتی دانش، موهن کار است. در این روایت -که یک بیان نمادین و سمبلیک است- حضرت می‌فرماید: دانش، کار را صدا می‌زند. اگر کار پاسخ داد، دانش می‌ماند و توسعه پیدا می‌کند؛ اگر کار پاسخ نداد، دانش هم می‌رود. ببینید چه بیان زیبایی است، یعنی پیدایش دانش، پایداری دانش، پیشرفت دانش، وابسته به کار است. این‌ها منطق است. این‌ها مبنای فکری است. اسلام این جواری است. اسلام با قشر کارگر، صادقانه برخورد می‌کند، (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۲/۱۰)

دستی که در آتش نمی‌سوزد

در روایات آمده است وقتی که پیغمبر اکرم^(ص) از جنگ تبوک برمی‌گشتند، یکی از انصار(سعد) به استقبال ایشان آمد و با ایشان دست داد. حضرت دیدند که دست‌های او زبر و خشن شده و پینه بسته است. از وی سؤال فرمودند: «چه کار کردی که دست‌هایت این قدر خشن شده است؟» سعد عرض کرد: «یا رسول‌ا...! زیاد بیل زده‌ام؛ چون مجبور بودم برای تأمین نان زن و بچه‌ام کار کنم.» حضرت دست‌های سعد را گرفتند و بوسیدند و فرمودند: «این دستی است که در آتش نخواهد سوخت، نظیر این رخدادها در زندگی پیامبر^(ص) و ائمه‌اطهار^(ع) زیاد است. این نشان می‌دهد که کار و کارگری در نزد اولیای خدا چقدر ارزش و عظمت دارد.

پیش خدا روسفید هستید

نقل شده است روزی جوانی از مقابل دیدگان پیغمبر اکرم^(ص) می‌گذشت. عده‌ای که در محضر آن حضرت بودند، دیدند که این جوان، نیرو و توان چشمگیری دارد. عرض کردند: «ای کاش در راه خدا قدم برمی‌داشت!»، آن حضرت فرمودند: «اگر این شخص حرکت کرده است تا عائله‌اش را از راه صحیح و حلال، تأمین کند یا می‌کوشد تا پدر و مادر پیر خود را از راه صحیح، حفظ و اداره کند یا تلاش می‌کند که سربرار جامعه نباشد و خود را از نیازمندی به این و آن برهاند، این راه، راه خداست. ولی اگر می‌کوشد که بر ثروت خود بیفزاید، این راه، راه شیطان است.» به همین علت است که امام‌باقر^(ع) در روایتی می‌فرماید: «کسی که در راه کسب مال حلال تلاش کند و نیت او این باشد که افزون‌بر آنکه خود و خانواده‌اش را از دیگران بی‌نیاز کند، به همسایگان خود کمک کند، روز قیامت در حالتی خدا را ملاقات می‌کند که صورتش همانند ماه شب چهاردهم می‌درخشد».